

بررسی نحوه تعیین دیه در مصدومین منتهی به زندگی نباتی از دیدگاه قضاات و پزشکان قانونی

مرضیه قربانی* - دکتر محمدرضا شادمان فر** - دکتر آرش قدوسی***

* دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان
** دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، استادیار، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان
*** متخصص پزشکی قانونی، استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

چکیده

زمینه و هدف: زندگی نباتی وضعیتی است که در آن فرد به علت آسیب (مرگ) سلول‌های قشر مغز قادر به اداره‌ی فعالیت‌های غیرارادی خود نیست. این وضعیت با مرگ مغزی و کما دارای تفاوت‌های اساسی است. از نظر پزشکی، سلول‌های مرده قشر مغز بازگشت نخواهند کرد. اما در عین حال با سالم بودن ساقه مغز، سیستم خون‌رسانی، تنفس، گوارش و امثال آنها به کار خود ادامه داده و فرد ممکن است حتی بدون دستگاه‌های تنفسی سال‌ها در این نوع از حیات بسر برد. دشواری نگهداری این افراد و برگشت ناپذیر بودن فعالیت‌های قشر مغزی آنها ابهامات زیادی را برای پزشکان و حقوق دانان به وجود آورده است. این ابهامات اختلاف رویه‌های محاکم را نیز در پی داشته است. از آنجا که علاوه بر آسیب به قشر مغز، تمام یا برخی از اعضا و حواس این افراد نیز دچار آسیب می‌شوند، در تعیین دیه ایشان اختلافات بسیاری بروز نموده است. برخی از فقها دیه‌ی چنین افراد را شامل دیه‌ی کامل برای عقل و هریک از حواس دانسته‌اند در مقابل نظریات دیگری ابراز گردیده و امکان دریافت خسارات مازاد بر دیه نیز منتفی نگردیده است. لذا این پژوهش با هدف بررسی ضرورت تعیین دیات متعدد در مصدومین منتهی به مرگ قشر مغز انجام شد و برای رسیدن به هدف پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته‌ای با گزینه‌های متعدد استفاده شد.

روش بررسی: جامعه پژوهش شامل قضات دادگستری اصفهان (برابر با ۳۰ نفر) و همچنین پزشکان قانونی شاغل در اداره کل پزشکی قانونی اصفهان (برابر با ۶۱ نفر) و حجم نمونه را ۶۰ نفر شامل ۳۰ نفر از قضات و ۳۰ نفر از پزشکان قانونی تشکیل دادند. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری، نظیر فراوانی و درصد معتبر به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده و در سطح آمار استنباطی، آزمون مجذور کای مورد استفاده قرار گرفته و انجام عملیات آماری مذکور به وسیله نرم افزار SPSS ویرایش ۱۹ صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مناسب‌تر است در عوض تعیین دیات متعدد، برای هریک از مصدومین منتهی به زندگی نباتی یک دیه تعیین گردد و در جهت جبران سایر خسارات، از جمله هزینه‌های درمانی و نگهداری بتوان دولت یا بیمه را، اعم از اینکه یکی از آنها به تنهایی یا به صورت مشارکتی در این امر دخیل نمود و به همراه فرد خاطی مسوول جبران خسارت دانست.
واژگان کلیدی: مرگ، مرگ قشر مغز، تعدد دیات، خسارات مازاد بر دیه

تایید مقاله: ۱۳۹۲/۱/۲۸

وصول مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۲۵

نویسنده‌ی پاسخگو: اصفهان، خیابان جی، ارغوانیه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (دانشکده پرستاری) ghoddosy@hotmail.com

مقدمه

در این بیماران، مسایل حقوقی و جزایی زیادی مطرح است. یکی از آنها دیه‌ی این افراد می‌باشد. اینکه دیه و ارش آنها به چه میزان باشد، قابل تأمل بوده و در این زمینه بین قضاات و پزشکان قانونی اختلاف نظرهایی وجود دارد (۱، ۲).

اکثر پژوهش‌های پیشین، به بررسی مرگ مغزی پرداخته و کمتر زندگی نباتی را مورد توجه قرار داده‌اند. مثلاً در پژوهش نقی‌زاده

آسیب‌های کلی غیرقابل بازگشت مغزی تحت عناوینی مانند مرگ مغزی مطرح می‌گردد. نوع خاصی از آن حالت زندگی نباتی است که طی آن نیمکره‌های مغز که کنترل کننده فعالیت‌های اختصاصی هستند دچار مرگ شده، اما ساقه مغز به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

تشکیل می‌شدند. به منظور اجرای این پژوهش پس از اخذ مجوز از واحد مربوطه به مراکز پزشکی قانونی و دادگستری‌ها مراجعه نموده و پس از توضیح هدف پژوهش، پرسشنامه‌ها تکمیل گردیدند. در تکمیل پرسشنامه کارکنان شاغل در هر گروه بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پرسنلی شامل: سن، جنس، وضعیت تاهل، وضعیت استخدام، میزان تحصیلات و سابقه خدمت) به صورت فردی همسان‌سازی شدند آماری مورد پژوهش در ابتدا بر روی تعداد ۷۲ نفر از پزشکان و قضات اجرا شد که تعداد ۱۲ نفر به دلیل ناقص بودن پرسشنامه از تحقیق کنار گذاشته شدند و تعداد نمونه به ۶۰ نفر تقلیل یافت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی مجذور کای و نرم افزار Spss استفاده شد. از محدودیت‌های اجرای طرح می‌توان به عدم تمایل تعدادی از پرسش‌شوندگان به ورود طرح نام برد. همچنین لازم به تاکید است که آراء قضایی به تنهایی با آمار قابل تفسیر نیستند و تحقیق انجام شده جهت ارایه دور نمایی از تفاوت نظرات خبرگان رشته انجام شد.

یافته‌ها

آمار توصیفی:

نخستین سوال پرسشنامه مربوط به نظر شرکت‌کنندگان نسبت به تعداد لازم دیه مصدومین در حالت زندگی نباتی بود که نتیجه به تفکیک پزشکان، قضات و جمع کل در جدول یک آمده است. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، بیشترین درصد پاسخ‌گویان به سوال یک، مربوط به گزینه اول (یک دیه) و کمترین درصد پاسخ‌گویان به سوال یک، مربوط به گزینه شش (شش دیه) می‌باشد.

(۱۳۸۹) بیشتر به بیان مشکل اختلافی بودن تعداد دیه زندگی نباتی پرداخته و به ماهیت آن و تجزیه و تحلیل مشکل نپرداخته است یا در پژوهش امانی (۱۳۸۸) به بحث جنایات در زندگی نباتی اشاره کرده و اظهار نظر نموده است، اما بحث دیه و چگونگی تعیین آن را مد نظر قرار نداده است. در بررسی به عمل آمده پژوهشی که به طور فقهی راجع به تعداد دیه در زندگی نباتی بحث نماید به دست نیامده است. بنابر پژوهش قشقای (۱۳۷۹) در تعیین دیه آسیب‌های مغزی تنها دیه نقص در منفعت آن عضو، قابل مطالبه است که با نسبت سنجی بادیه منفعت، دیه مقدار منفعت ناقص بدست می‌آید (۴-۲).

قانون پیوند اعضاء بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنها مسلم است مصوب ۱۳۷۹ فقط مرگ مغزی تعریف نموده و اشاره‌ای به زندگی نباتی نداشته است. اما در پژوهش حاضر علاوه بر موارد مذکور در پژوهش‌های قبلی، برای وضوح بیشتر زندگی نباتی را از سه بعد (پزشکی، فقهی، حقوقی) مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش سعی بر آن است که تعداد دیه را مورد بحث قرار دهد و روشی کاربردی برای آن بیابد.

روش بررسی

مطالعه حاضر به صورت توصیفی-پیمایشی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه را کلیه قضات دادگستری اصفهان و همچنین پزشکان قانونی شاغل در اداره کل پزشکی قانونی اصفهان در سال ۱۳۹۰ تشکیل می‌داد، که تعداد ۳۰ نفر از هر گروه (جمعاً ۶۰ نفر) منتهی به هدف (تمایل و موافقت در اجرای طرح) انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات یک پرسشنامه محقق ساخته با ۴ سوال اصلی بود و هر کدام از آنها از گزینه‌های متعددی

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد مربوط به پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در سوال اول

گزینه‌های مربوط به سوال ۱	پزشکان		قضات		پزشکان و قضات	
	نما	درصد	نما	درصد	نما	درصد
۱- یک دیه	۱۳	۴۳/۳	۱۷	۶۰/۷	۳۰	۵۱/۷
۲- دو دیه	۲	۶/۷	۰	۰	۲	۳/۴
۳- سه دیه	۵	۱۶/۷	۴	۱۴/۳	۹	۱۵/۵
۴- چهار دیه	۷	۲۳/۳	۱	۳/۶	۸	۱۳/۸
۵- پنج دیه	۳	۱۰	۳	۱۰/۷	۶	۱۰/۳
۶- شش دیه	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۷- هفت دیه	۰	۰	۳	۱۰/۷	۳	۵/۲
کل	۳۰	۱۰۰	۲۸	۱۰۰	۵۸	۱۰۰

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد مربوط با پاسخ‌های شرکت کنندگان در سوال چهارم

گزینه‌های مربوط به سوال ۴	پزشکان		قضات		پزشکان و قضات	
	نما	درصد	نما	درصد	فراوانی	درصد
۱- تعیین یک دیه و هزینه نگهداری و درمان به عهده فرد خاطی باشد	۱	۱۳/۳	۱۰	۳۴/۵	۱۴	۲۳/۷
۲- تعیین یک دیه و بیمه پرداخت خسارت‌های درمانی و نگهداری را تقبل نماید	۱۴	۴۶/۷	۶	۲۰/۷	۲۰	۳۳/۹
۳- دولت بودجه‌ای را برای نگهداری به چنین اشخاصی اختصاص دهد و آنها را تحت حمایت قرار دهد	۶	۲۰	۳	۱۰/۳	۹	۱۵/۳
۴- صرفاً برای اعضا و منافع دیه یا ارش تعیین نمود که از میان رفتن آنها مسجل باشد	۶	۲۰	۹	۳۱	۱۵	۲۵/۴
۵- هیچ کدام	۰	.	۱	۳/۴	۱	۱/۷
کل	۳۰	۱۰۰	۲۹	۱۰۰	۵۹	۱۰۰

آمار توصیفی مربوط به تعیین راهکار مناسب تر برای محاسبه دیه مصدومین مرگ قشر مغز از دیدگاه قضات و پزشکان قانونی در جدول دو آمده است. همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، بیشترین درصد پاسخ‌گویان در بین پزشکان قانونی به گزینه دو و بیشترین درصد پاسخ‌گویان در بین قضات مربوط به گزینه ۱ می‌باشد.

آمار استنباطی:

در خصوص پاسخ به سوال اول تفاوت معنادار آماری بین شغل پاسخ دهنده (قضات و پزشکان قانونی) وجود ندارد.

$$P \leq 0.05, (\chi^2 = 10/087, sig = 0/073, Df = 5)$$

در خصوص پاسخ به سوال چهارم تفاوت معنادار آماری بین شغل پاسخ دهنده (قضات و پزشکان قانونی) وجود ندارد.

$$P \leq 0.05, (\chi^2 = 8/357, sig = 0/079, Df = 4)$$

بحث

در مورد مصدومین منتهی به زندگی نباتی می‌توان گفت با آنکه سلول‌های قشر مغز از بین رفته است، اما حیات نباتی وی گاه تا سال‌ها ادامه می‌یابد. شرع و عرف چنین فردی را مرده محسوب نمی‌کند. از طرفی علم پزشکی نیز در مقابل این پرسش که آیا در آینده احتمال معالجه‌ی این گونه بیماران وجود خواهد داشت، پاسخ منفی نمی‌دهد (۵).

در خصوص ماهیت حقوقی دیه اختلاف نظرهایی وجود دارد، که شامل موارد ذیل می‌باشند:

۱. دیه مجازات مالی است.
 ۲. دیه ماهیت کیفری ندارد، بلکه جبران خسارت است.
 ۳. دیه ماهیت تلفیقی دارد.
 ۴. دیه یک نهاد حقوقی ویژه است (۶، ۷).
- در پاسخ به این سوال پژوهش که دیه محاسبه شده برای این مصدومین باید چه تعداد باشد، نتایج نشان داد که هر دو گروه (قضات و پزشکان قانونی) پرداخت یک دیه را ترجیح می‌دهند. مطابق پژوهش امانی (۱۳۸۸) اگر در خصوص این بیماران چند دیه تعیین نگردد باید یک دیه به همراه خسارات مزاد بر دیه مشخص گردد. همانطور که نتایج پژوهش نشان داد، به نظر می‌رسد فقها قبل از بحث پیرامون تعدد دیات، به بیان تداخل یا عدم تداخل دیات پرداخته‌اند، که بدین شرح می‌باشد:
- اگر جنایات در نتیجه ضربات متعدد به وجود آمده باشد. اجماع فقها قایل به عدم تداخل دیه و پرداخت دیات متعدد در ازای جنایات به مصدوم می‌باشند.
 - اما اگر جنایات در نتیجه ضربه واحده به وجود آمده باشد، سه قول وجود دارد:

- قول اول: عدم تداخل دیات مطلقاً
 - قول دوم: تداخل دیات در صورت واحد بودن ضربه در مطلق جنایات
 - قول سوم: تداخل دیات در صورت تعدد جنایت در یک عضو و با یک ضربه.
- از میان اقوال سه گانه، قول دوم ظاهرتر می‌باشد (۸-۱۱).
- همچنین به نظر می‌رسد در احتساب دیه این قبیل افراد یکی از طرق ذیل را می‌توان اتخاذ نمود:

طریق اول: اینکه تمام اعضا و منافع که کارایی ندارد چه از میان رفتن آنها قطعی باشد چه غیرقطعی در نظر گرفته شود.

طریق دوم: اینکه در تعیین دیه مصدوم صرفاً دیه‌های اعضا و منافع پرداخته شود که قطعاً و مسلماً از بین رفته باشد (به عنوان مثال می‌توان دیه‌ی فلج دست و پا، زوال عقل، عدم کنترل ادرار و مدفوع را نام برد).

طریق سوم: تعیین یک دیه و به لحاظ هزینه‌های گزاف درمانی و نگهداری فرد در مدت زمان طولانی و نامعلوم خسارات مازاد بر دیه مدنظر قرار گیرد.

اگر تعدد دیات را در نظر بگیریم یکی از طرق اول یا دوم را باید اعمال نمود. طریق اول به این دلیل که وقتی از بین رفتن توان یا حسی مسلم نباشد، نمی‌توان دیه تعیین نمود. علاوه بر آن، باید افزود که در مورد برخی منافع، مانند حس شنوایی این افراد به طور کامل از بین نمی‌رود بلکه درک شنوایی از میان رفته و قادر به درک صدا نمی‌باشند. سوالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا چنین عدم درکی همان از بین رفتن حس شنوایی مدنظر قانون‌گذار است یا آنچه مدنظر قانون‌گذار است از بین رفتن کامل شنوایی می‌باشد؟ در پاسخ باید گفت قانون‌گذار در ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی در مورد از بین رفتن شنوایی صحبت کرده و از درک شنوایی سخنی به میان نیاورده است و به نظر می‌رسد قانون‌گذار در مقام بیان بوده و به این مساله اشاره نکرده است و همچنین تفسیر مضیق قوانین جزایی و تفسیر به نفع متهم و همچنین عدالت قضایی ایجاب می‌کند که دیه‌ی از بین رفتن کامل شنوایی را در این خصوص اعمال ننماییم (همان‌گونه که در رویه‌ی عملی هم غالباً پزشکان قانونی در این خصوص دیه تعیین نمی‌نمایند) (۱۲).

در برخی از روایات در مورد دیه شنیدن، آمده است که هرگاه مجنی علیه ادعا نماید که گوش وی نمی‌شنود به مدت یک سال باید منتظر ماند و پس از یک سال با سوگند مجنی علیه، مبنی بر از دست دادن شنوایی خود حکم پرداخت دیه داده می‌شود.

برخی از فقها مثل محقق حلی، صاحب جواهر، شهید ثانی و آیت الله خویی (رحمه‌الله) بر اساس همین روایت، انتظار مدتی معین را، در مورد مذکور، لازم دانسته اند (۱۳، ۱۱، ۸).

در خصوص پذیرش طریق دوم در تعیین دیه مصدومین منتهی به زندگی نباتی این سوال به ذهن می‌رسد که آیا این تعداد دیه جوابگوی تمام خسارات متحمل چنین بیمارانی می‌باشد؟ این افراد ممکن است سالیان متمادی در چنین وضعیتی باقی بمانند. هرچند هم تعداد دیات بالا باشد باز نمی‌توان قاطعانه گفت که این دیات جبران‌کننده تمام هزینه‌های درمانی و نگهداری می‌باشد. در حالی که اصل بر این است که کل خسارات مصدوم باید جبران شود. از طرفی محکوم نمودن فرد خاطی به پرداخت دیات متعدد با هم نوعی تکلیف مالایطاق بوده و اگر تمکن مالی جهت پرداخت نداشته باشد (که در اکثر موارد بدین نحو می‌باشد) نه تنها جبران خسارتی صورت نگرفته حتی می‌توان گفت

این قبیل اعمال مجازات از لحاظ جرم‌شناسی آثار سوئی در جامعه به بار خواهد آورد.

حال آیا برای مصدومین منتهی به زندگی نباتی به دلیل هزینه نگهداری در سالیان متوالی می‌توان خسارت مازاد بر دیه تعیین نمود؟ در زمان حاکمیت قانون مسوولیت مدنی، شخص آسیب دیده می‌توانست به استناد قانون مذکور کلیه هزینه‌هایی را که برای معالجه خود متحمل شده است، از وارد کننده صدمه مطالبه نماید، که این هزینه‌ها عبارت بودند از: «حق‌العلاج پزشک، حق عمل جراح، هزینه‌های بیمارستان، دارو، آزمایش‌های پزشکی، مخارج دوران نقاهت و غیره».

در خصوص خسارت مازاد بر دیه سه نظریه وجود دارد:

۱. عدم امکان مطالبه خسارات مازاد بر دیه است مطلقاً
 ۲. قائلان به لزوم جبران خسارت‌های زاید بر دیه
 ۳. لزوم پرداخت مخارج معالجه، خسارت از کارافتادگی و سایر ضررهای مالی ناشی از جنایت به نحو مستقل و جدای از دیه
- اما بر اساس پژوهش مصدق (۱۳۸۴)، حسنی (۱۳۸۵) و شفیع سروستانی (۱۳۷۴)، به نظر می‌رسد نظریه سوم را می‌توان اعمال نمود (۱۵، ۱۴، ۱۲، ۷، ۶).

حال اگر طریق سوم یعنی تعیین یک دیه با در نظر گرفتن خسارات مازاد بر دیه باشد، از آنجایی که قانون‌گذار ما خسارات مازاد بر دیه را پذیرفته با ارایه یک راهکار مناسب می‌توان هم جنبه مجازات را و هم جنبه جبران خسارت را اعمال نمود بنحوی که کلیه خسارات را در برگیرد هر چند بیمار سالیان متمادی در این وضعیت باقی بماند. با توجه به مطالعه حاضر، در صورتی که یک دیه تعیین گردد و برای جبران سایر خسارات از جمله هزینه درمانی و نگهداری می‌توان دولت یا بیمه را در این امر دخیل نمود، اعم از اینکه یکی از آنها به تنهایی یا به صورت مشارکتی بدین نحو که دولت و بیمه با هم یا یکی از آنها به همراه فرد خاطی مسوول جبران خسارت باشند.

نتیجه‌گیری

حاصل آن که دیه یک نهاد حقوقی ویژه است پس می‌توان ادعا کرد که در همه موارد، نوعی جبران خسارت، در آن ملاحظه می‌شود، در بعضی از مصادیق، مثل: جنایات شبه عمد، واجد هر دو خصیصه خسارت و جریمه است و در برخی مصادیق، فقط جنبه جبران خسارت دارد. در خصوص این بیماران با توجه به وضعیت خاص و شرایط و هزینه نگهداری آن‌ها و این که مشخص نمی‌باشد تا چه زمانی در این وضعیت باقی خواهند ماند، تعیین کردن دیات متعدد نمی‌تواند جبران‌کننده کل خسارات وارده به چنین فردی باشد. و به نظر می‌رسد منطقی‌ترین روش، تعیین یک دیه و پرداخت خسارت مازاد بر دیه به نحوی که تامین‌کننده بیشترین میزان خسارات وارده باشد.

References

- 1- Larijani B. transplant Scientific, ethical, legal, and Jurisprudence topics. 1th ed. tehran: baraye farad; 2005. 201-220.[Persian]
- 2- Amani H. Crime to the brain death. Hoghoghiye dadgostari. 2010; 73(68).159-74. [Persian]
- 3- Naghizadeh A. how calculate the amount of blood money for individuals that have vegetative life. Taaliye hoghoogh. 2011; 2(6). 71-80. [Persian]
- 4- Ghashghaei H. blood money imbalance by effect off Brain injury. Legal views journal. 2001; 5(20); 117-123. [Persian]
- 5- Seraji M. The nature of brain death from the viewpoint of Quran and Hadith. Arak Medical University Journal. 2011; 13(4. supp2). 65-77. [Persian]
- 6- Vahdati. shobeyri. H. foundation and scope for damage of blood money surplus. Islamic studies. Jurisprudence and basis. 2012; 43(87). 247-68. [Persian]
- 7- Heydari A. Exigible damage of blood money surplus. Jurisprudence and law basis babol unit. 2007; 29-113. [Persian]
- 8- Heli N. shyeoislam felmasaelol halal valharam. 2th ed. Qom. ismaelian publisher. 1988. 255. [Arabic]
- 9- Hendi Fazel M. kashfolsam valebham an ghavedol ahkam. 1th ed. Qom Slamic publisher office, Qom. alolbays instutution. 1996. 433. [Arabic]
- 10-Tabatabaei A. Riazolmasael feltahghighelahlkam beldael. 1th ed. Qom. alolbays instutution; 1997; 433. [Arabic]
- 11-Mosavi Koie. tamelatol menhaj; 1993: 432. [Arabic]
- 12-Group of Advisory Jurisprudence ideas on Criminal Affairs (5). Office for Clergymen training and Jurisprudence text Codification.1th ed. Qom. ghaza publisher. spring 2007. 71-89. [Persian]
- 13-Najafi M. Javaherolkalam fee sharhe sharayeol islam. Qom. islamiye 1972. 255. [Arabic]
- 14-Mosadegh M. Do the criminal must pay medical costs in addition of blood money or meaning? payame amozesh. 2005; 3(14): 16-28 .[Persian]
- 15-Shafiee sarvestani a, setayesh M, Ghiasi j. Compensations law and present requirements.1th ed. tehran. barge sabz. public president center of sterategic; 2007: 310-330. [Persian]